

افتتاح خط تولید خودروی ۱۴ ساله توسط رئیس جمهور چه نفعی برای مردم دارد؟

صفحه ۲

یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۶ | ۱۱ رجب ۱۴۳۸ | ۹ آوریل ۲۰۱۷ | سال نهم | شماره ۲۱۲۱ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



گفت‌وگوهای «وطن امروز» درباره تأثیر رأی فتح بر نگاه مستندسازان نسل بعد از خود

سلام نسل ما به آقا مرتضی

صفحه ۱۳



تیتراهای امروز

اسحاق جهانگیری:

مشکلات مردم را حل کرده‌ایم

نگویند دولت پیر و خسته!

صفحه ۲

مردم ۲۵ شهر آمریکا علیه حمله موشکی به سوریه تظاهرات کردند

حمله نامشروع برای مشروعیت

صفحه ۱۵

تعطیلی اجباری داروگر و وضعیت نابسامان تولی پرس

۲ برند با سابقه دیگر در کما

صفحه ۳

تحلیلی از مجید ابهری، متخصص علوم رفتاری و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

نقش ثروت فراوان در ناهنجاری‌های رفتاری آخوندی

درخواست اهالی رستانه برای برخورد با وزیر راه

صفحه ۲

روزنه

در باب صیانت از رأی مردم و کار آمدی نظام

محمد زعیمازاده

انقلاب اسلامی به عنوان یک واقعیت نوپدید که اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ۲ گفتمان اصلی و غالب در سپهر سیاست جهان یعنی لیبرالیسم و کمونیسم را به چالش کشید اینک در آستانه ۴۰ سالگی حتما ۲ مولفه هویتی و ۲ مسؤلیت جدی برای خود متصور است؛ مسأله نخست تحقق مدل مردمسالاری دینی در عرصه حکومت و دوم بروز کارآمدی توسط حکومتی که المان‌های هویتی خود را منبعث از گفتمان اسلام ناب بازتعریف کرده است.

سخنرانی رهبر حکیم انقلاب در روز نخست سال جدید در حرم رضوی بیانات همین ۲ دغدغه اصلی است؛ تأکید ایشان بر تبیین اجزای مختلف اقتصاد مقاومتی به عنوان راه اصلی کارآمدی سیستم اقتصادی کشور در شرایط کنونی بخشی از سخنان ایشان بود که در همین جریده توسط متخصصان حوزه اقتصاد تبیین و تفسیر شده است اما حتماً نگاهی دقیق‌تر به بخش دوم سخنان که به بحث پاسداری نظام جمهوری اسلامی از آرای مردم در راستای تحقق مردمسالاری دینی اختصاص داشت می‌تواند زوایای جدیدی از بحث را منفتح کند.

اشاره به این موضوع که علاوه بر سال ۸۸ که به اردو کشی خیابانی عده‌ای علیه رای مردم و منافع کشور منجر شد، در سال‌های ۸۴، ۷۶ و ۹۲ هم عده‌ای می‌خواستند رای مردم را بشکنند و رهبر انقلاب به شکل‌های مختلف جلوی این مسأله را گرفته‌اند موضوع مهم و تقریباً جدیدی بود که توسط رهبر انقلاب بیان شد. در همه این

سال‌ها و در انتخابات‌هایی که نتایج مختلفی داشته و طبعاً برخی گروه‌های سیاسی از آن راضی بوده‌اند و برخی ناراضی، رهبر انقلاب به نمایندگی از مردم پای نظر اکثریت ایستاده‌اند و فشارهای احتمالی گروه‌های سیاسی و افراد منتقد در خصوص تغییر نتیجه را پذیرفته‌اند.

مثلاً علیمحمد بشارتی، وزیر کشور دولت دوم هاشمی‌رفسنجانی درباره انتخابات دوم خرداد ۷۶ می‌گوید: «من در آن روزها شنیدم که یکی از آقایان، سعادت‌قیل از اینکه تقریباً بر همه روشن شود چه کسی پیروز انتخابات است، وقت می‌گیرد و خدمت آقا می‌رسد؛ با اینکه هیچ مسؤلیت رسمی هم در زمینه برگزاری انتخابات نداشته است.

ادامه در صفحه ۵



تجمع بزرگ سپرده‌گذاران سرگردان مؤسسه اعتباری مجاز کاسپین مقابل بانک مرکزی

مال مردم خوری!

صفحه ۳

بن‌بست اقتصادی خودساخته روحانی

امیراستکی

تمایل دارد، یک بلاکلیفی و بی‌عملی را به وجود آورده است. دولت به رزمی‌کاری می‌ماند که فقط یک فن بلد است و پس از امتیاز دادن‌های بیشمار به حریف برای فراهم شدن شرایط کاربرد فنش، متوجه می‌شود وضعیتی را پیش آورده که به هیچ‌وجه نمی‌تواند فنش را اجرا کند و گنج و مهبوت می‌شود.

صحبت از برجام را البته باید کم‌کم رها کرد و مرده را بیش از این چوب نزد و کار بررسی و صحبت از آن را به دانشکده‌های روابط بین‌الملل و تاریخ سپرد. شاید سال‌های بعد اگر قدرت در دست دولت‌های با علایق ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه باشد، برجام به عنوان عبرتی در میان سایر عبرت‌های تلخ تاریخ ایران در کتاب‌های تاریخ جفا خوش کند و اگر قدرت در دست دولت‌های بی‌وطن‌گرا باشد از آن به عنوان یک عقب‌نشینی تلخ ولی ضروری در کرسی‌های دانشگاهی سیاست یاد شود. هر چه باشد امروز برجام آنچه قرار بود برای دولت روحانی به ارمغان بیاورد نیاورده و دولت را سردرگم و سر در گریبان کرده است. به نحوی که گشایش‌های موردی که برجام در زمینه فروش نفت و رفع تحریم‌های لجسنتیکی به وجود آورده است، کماکان گروگان تحریم‌های مالی‌اند و آنچه از برجام حاصل شده است در این شرایط آنقدر نیست که همه آن غلغله‌ها و تاخیر انداختن‌ها را جبران کند. سیل چشمداشتی پسا برجام به یک آبله‌پارک تحت حاکمیت وزارت خزانه‌داری آمریکا بدل شده است! و اقتصاد در رکود نگه داشته شده

به عبارت دیگر شرایطی که قرار بود پایان به تاخیر انداختن‌ها باشد خود زنجیری بزرگ بر پای دولت بسته است و همه رشته‌های آن را پنبه کرده است. دولت در این شرایط به نوعی آچمز شده است، چرا که برای دولتی که آب خوردن ملت را هم به توافق هسته‌ای گره خورده می‌دید، این وضعیت که در آن عایدی‌اش به تقریباً هیچ

دلاری به وجود آمده جبران می‌شود و هم دولت هزینه‌های داخلی و سیاسی آن را نمی‌پردازد و هم در نهایت اوضاع روبه‌راه می‌شود و به اصطلاح کمی سرعت عمل در انعقاد توافقی بود تا هزینه‌های سیاسی داخلی آن در سطحی کمتر باقی بماند و همین‌گونه هم شد. تیم مذاکره‌کننده ایرانی در یک دوره فشرده کار را تمام کرد و موجی از شادی و شغف را به دولت و طرفدارانش تزریق کرد اما بخش گسترده‌ای از فعالان اقتصادی و ملت هنوز منتظر به راه افتادن چرخ اقتصاد بودند. دولت کار را تمام شده می‌دانست ولی جای کار می‌لنگید.

فرمول عمل نمی‌کرد و با مرور زمان مشخص شد تصورات قبل از برجام بیش از حد ساده‌انگارانه و خوش‌بینانه بوده است. پیوست اقتصادی برجام و امکاناتی که به اقتصاد ایران می‌داد بیش از آنچه که باید محدود بود. نقش بسیار پررنگ اوفک (کمیته دارایی‌های خارجی آمریکا) این کمیته را در جایگاهی قرار داده است که تمام معاملات شرکت‌های خارجی با ایران باید با مجوز آن صورت بگیرد، چرا که در غیر این صورت باید منتظر تنبیهات و جرائم سنگین این کمیته باشند. برای مثال اتفاقی که برای یک شرکت چینی افتاد از این دست موارد است. شرکت مخابراتی زدتی‌ای چین به اتهام ارسال غیرقانونی تجهیزات مخابراتی به ایران برخلاف قانون تحریم‌های آمریکا محکوم شد و توافق کرد جریمه‌ای را که رقم آن ممکن است تا ۱/۲ میلیارد دلار برسد، پرداخت کند. در تازه‌ترین مورد از این دست هم شرکت بریتیش پترولیوم که یکی از ۷ غول بزرگ نفتی جهان است و مالکیت بریتانیایی دارد برای همکاری با شرکت ملی نفت

نگاه‌امروز

روحانی با موج گسترده‌ای از تولید محتوای رسانه‌ای در باب کارآمدی و کارایی و نکته‌سنجی نخبگان سیاسی-اجرایی همراه وی، همراه بود. تصویری که به مدد افزایش تورم در سال‌های انتهایی عمر دولت دهم موجه می‌نمود.

اقبال به حسن روحانی نه یک رأی ایجابی بلکه یک تیر در تاریکی برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور بود. همه منتظر بودند درباره توانایی این نخبگان و قدرت مدیریتی‌شان ادعا شده بود، بالفعل شود و اوضاعی که بیش از حد نابسامان به تصویر کشیده شده بود، سلامتی یابد اما آنچه در عمل توسط دولت روحانی انجام گرفت نه یکسری اقدامات بهبوددهنده بلکه یکسری اقدامات تاختیری بود. تاختیری که بیشترین دستاورد آن سیاسی و متعلق به دولت روحانی و عواقب آن گریبانگیر ملت شد. غلغله نابسامانی‌ها و عدم تلاش برای حل و کنترل آنها بسیاری از آنها را از نابسامانی به بحران تبدیل کرد. نکته اساسی در این میان این است که دولت یازدهم در همه زمینه‌هایی که اقدام عاجل

تسام با هزینه‌های سیاسی و اجتماعی بود، برای حفظ وجهه خود هیچ هزینه‌ای را برعهده نگرفت. به قول یکی از تحلیلگران اقتصادی، در شرایطی که رئیس‌جمهور پیشین فراهم آورده بود، همه آماده پذیرش هر وضعیتی به شرط حرکت به سمت اصلاح ناراستی‌ها بودند ولی دولت روحانی با وجود این آمادگی در میان نخبگان سیاسی و اقتصادی باز هم عافیت‌طلبانه راهی کم‌ریسک‌تر را انتخاب کرد.

راهی که از کلال توافق هسته‌ای می‌گذشت و بنا بود با زدودن تحریم‌های هسته‌ای و برگرداندن اوضاع بین‌المللی کشور به قبل از تحریم‌های سازمان ملل و آمریکا، اولاً راه فروش نفت و دسترسی ایران به منابع دلاری محصورش را باز کند و ثانیاً راه ورود سرمایه خارجی را به کشور بگشاید. در این شرایط بود که بزرگ‌تر شدن بعضی ناراستی‌ها باعث با سیلاب

www.vatanemrooz.ir



ادامه در صفحه ۵